




حجت‌الاسلام ارسطا در تبیین نظریه فقه اجتماعی مطرح کرد:

**نگاه جزیره‌ای به مسائل دینی موجب می‌شود در زمین غربی‌ها بازی کنیم / لزوم توسعه اصول فقه
شارع و حکمت / فقیه باید در موضوع‌شناسی دخالت کند**

تیر ۱۳، ۱۳۹۹  آخرین اخبار، اجتهاد و اصول فقه، اندیشوران فقهی

حجت‌الاسلام دکتر ارسطا معتقد است: فقیه باید در موضوع‌شناسی الزاماً خود دخالت کند. به دلیل اینکه فهمی که فقیه از دخالت دارد. لازمه حرف من تخصصی کردن حوزه فقاقت است. دیگر نمی‌توان از فقیهی صحبت کنیم که در همه مسائل اجتماعی بپردازند.

اختصاصی شبکه اجتهاد: دهمین نشست هم‌اندیشی فقه حکومتی با ارائه نظریه «فقه اجتماعی» از سوی حجت‌الاسلام والمصلح و اصول حوزه علمیه قم و دانشیار دانشگاه فارابی در جمع مقررین و شاگردان اساتید عرصه «فقه حکومتی» برگزار شد.

اصطلاحات در نظریه فقه اجتماعی

حجت‌الاسلام ارسطا در ابتدا به تبیین اصطلاحات مطرح در دیدگاه خود پرداخت. در نگاه او، فقه حکومتی عبارت است از: یک نظام حکومتی (نظام حکومتی اسلامی)، فقه اجتماعی عبارت است از: استنباط احکام با رویکرد قابلیت اجرای آنها در جوامع دیگر است و فقه فردی نیز عبارت است از: استنباط احکام با رویکرد قابلیت اجرای آنها توسط یک فرد حقیقی.

ارسطا تصریح کرد: در کنار اینها میتوان از فقه حکومت نام برد. فقه حکومت، بخشی از احکام فقهی است که به صورت م ارتباط دارد.

وی افزود: فقه عبادات و معاملات و قضا هم به همین ترتیب تعریف می‌شود. فقه عبادات آن دسته از احکام فقهی است که انجامش قصد قربت لازم است. به همین ترتیب میتوان فقه معاملات و قضا و... را هم تعریف کرد.

استاد ارسطا ادامه داد: فقه همان علمی است که متکفل استنباط و استخراج احکام مکلفین است. این علم در حال تدوین کنون تدوین شده سر و کار نداریم. اینها یک قسمتی از فقه است. فقه علمی است که پیوسته در حال تکامل است. در زمان یک جلد تمام فقه را در بر داشت. الان دوره‌های ۱۵۰ و ۱۶۰ جلدی فقه را در دوره‌های معاصر داریم.

منشأ شکلگیری ایده فقه اجتماعی

ارسطا تصریح کرد: آنچه از حدود بیست و خوردهای سال پیش موجب جرقه زدن این مباحث در ذهن من شد، این بود کتابهای فقهی تنظیم میکنند جامعه را اداره کنیم، در موارد مختلف دچار مشکل میشویم.

وی ادامه داد: از سوی دیگر معتقدیم اسلام پاسخگوی تمام نیازهاست. هم آیه «الیوم اکملت لکم دینکم و اتمت علیکم نعمه من شیء إلا و فیه کتاب أو سنه». روایت از امام باقر یا امام صادق علیهم السلام است. در روایت دیگر کسی خدمت امام همه آنچه مورد نیاز است در کتاب و سنت وجود دارد.

تفاوت موضوعات اجتماعی و فردی

ارسطا گفت: اصولاً موضوعات در حوزه مباحث اجتماعی با موضوعات در حوزه مباحث فردی متفاوت است. وی افزود: یادمان باشد من این را در صحیفه جستجو نکردم. آن جمله این بود که وقتی من وظیفه خودم را تشخیص دهم عمل میکنم؛ چه یک سؤال جدی ایجاد میکند. در این حالت قانون اساسی به صورت شناور در میآید. علاوه بر این اگر این کار را سایر مراجمعه است.

استاد حوزه علمیه قم گفت: در فتاوی جزئی از فقها همان اوائل انقلاب سؤال میشد که آیا پیروی از مقررات حکومت مذهب دارد؟ آیا وجوب شرعی دارد که پشت چراغ قرمز بایستیم؟ اگر گفتیم واجب است، یکی از لوازمش این است که هرکس رد کند، عدالتش از دست رفته.

وی افزود: اگر ملتزم نشویم با مشکل دیگری مواجه میشویم. اگر بگوییم حرمت شرعی ندارد، مقررات شهرسازی و... هم میشوند جریمه هم پرداخت کنند اما اینها را مراعات نکنند. مقررات صادرات و واردات و ثبت اسناد و... هم هست. اگر میخورد.

این استاد حوزه و دانشگاه ادامه داد: فقها در مورد چراغ قرمز گفته بودند اگر عبور کردن موجب اختلال نظام یا ضرر به دین میشد که تشخیص بر عهده کیست؟ میگفتند بر عهده خود مکلف. کثیری از مکلفین اشتباه خواهند کرد. همین قدر که دیده مسئله در اینجا از بین رفتن حرمت قانون خواهد بود و این یعنی فراهم آمدن زمینه برای اختلال نظام.

سه ویژگی موضوعات اجتماعی

ارسطا افزود: اینجا التفات پیدا کردیم که موضوعات اجتماعی سه ویژگی دارد که در مسائل فردی نیست. اولین ویژگی تکرار فتوا را یک نفر اجرا نمیکند. آیا اگر این فتوا را هزاران نفر به اجرا بگذارند، هیچ مشکلی پیش نخواهد آمد؟ مثلاً فقیه اهل سند است و... هنوز برای ما احراز نشده. میتوانیم بر مبنای فتوای او عمل کنیم یا نه؟ اگر گفتید خیر، باید در نظر بگیرید اگر کنند چه اتفاقی خواهد افتاد.

وی ادامه داد: ویژگی دوم تأثیر تدریجی این موضوعات است. اگر یک بار از چراغ قرمز عبور کنیم ممکن است نظم عمومی عمومی به هم میخورد. اگر مکرر در مکرر آمدند اختلاس کردند، هم موجب بیاعتمادی خواهد شد و هم نظم عمومی به هم

استاد ارسطا ادامه داد: ویژگی سوم این است که موضوعات اجتماعی نیاز به تدبیر و مدیریت دارند. نمیشود تشخیص آنها کرد.

وی تأکید کرد: این سه ویژگی موجب میشود بگوییم موضوعات اجتماعی نیاز به مدیریت مدیران جامعه دارد.

هویت مستقل جامعه

حجت‌الاسلام ارسطا که در جمع دهمین هماندیشی فقه حکومتی سخن میگفت، توجه به هویت مستقل جامعه را یکی دیگر اجتماعی را موجب میشود.

وی در توضیح دیدگاه خود گفت: ادعا نمیکنم جامعه هویت واقعی دارد اما هویت عرفی مستقل از اجزای تشکیل دهندهاش فلان موضوع هستند.

استاد ارسطا به دیدگاه آیتالله سبحانی و علامه طباطبایی در اصالت قائل شدن برای جامعه اشاره کرد و افزود: جامعه تکالیف

اقسام مکلفین در فقه اجتماعی

وی ادامه داد: بنابراین در فقه اجتماعی با چهار مکلف مواجهیم. مکلف اول همان فرد است که در فقه رایج هم با آن مواء من اعضاء المجتمع الاسلامی، همین فرد به عنوان شهروند. مکلف سوم جامعه است. تکالیفی متوجه خود جامعه است. مکلف چهار مکلف را مورد بررسی قرار میدهیم.

این استاد حوزه و دانشگاه تصریح کرد: اگر به فقه اجتماعی توجه نکنیم و بخواهیم فقط به فقه فردی عمل کنیم، نتیجه خواهد شد.

چرا لازم است به فقه اجتماعی بپردازیم؟

وی در پاسخ به این سؤال که چرا لازم است به فقه اجتماعی بپردازیم، گفت: برای اینکه بتوانیم جامعه را اداره کنیم و همانط و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است. این مفاد همان روایاتی است که میگوید ما من شیء إلا و فیه کتاب او سنه. استقرار نرسیده‌ایم. این به علت این است که این مسئله را از ناحیه فقه اجتماعی مورد توجه قرار ندادیم.

دانشیار دانشگاه فارابی افزود ادامه داد: آیا قوانین باید بر مبنای فتوای ولیفقیه باشد و با عوض شدن او بر مبنای ولیفقیه جا یا اعلم یا آسهل یا کارآمدتر نوشته شود؟ اینها همه جای بحث دارد.

نظاممند بودن دین اسلام

استاد ارسطا گفت: در کنار فقه اجتماعی، فقه نظام هم مطرح میشود. مقصود من از نظام یک مجموعه احکام منسجم و ه برای اداره امور اقتصادی یک مجموعه احکام منسجم و هدفمند دارد که به آن نظام اقتصادی اسلام میگوییم. برای اداره امور فرهنگی اسلام. نظام سیاسی، نظام علمی، نظام آموزشی، نظام پژوهشی و... هم به همین ترتیب قابل استخراج است. لازمه اسلام بگوید برنامه مشخصی نداریم، با کامل بودن دین در منافات خواهد بود.

وی تأکید کرد: مجموعه احکام طبعاً نمیتوانند بیارتباط با هم باشند. باید احکامی باشند که هدف مشخصی را دنبال میکنند تمامی کتابهای آسمانی است.

آسیب نگاه جزیره‌ای به مسائل دینی

حجت‌الاسلام ارسطا در بخش دیگری از سخنان خود گفت: شیوه برخورد فقهای ما با مسائل جدید چگونه بود؟ مثلاً مرحوم میکند که برای اولین بار اندیشه تفکیک قوا را مطرح کرد. در برخی مسائل میگوید هذّه بضائتنا ردت الینا. میگوید دیگران پ کردند.

وی افزود: شیوه برخورد فقهای ما در این صد سال اخیر که البته از مشروطه تا الان بیش از صد سال است، با مسائل جدید است که شیوه برخورد جزیره‌ای بوده. مثل همان شیوه رایج کتابهای فقهی که مسئله، مسئله است، با یک مسئله‌های مواجهه مسئله، مسئله موضوع را بررسی کرده‌اند.

دانشیار دانشگاه فارابی قم افزود: این جزیره‌ای بررسی کردن، ما را از یک نکته غافل میکند و آن اینکه اینها برای ما به شدت دوینکنندگان جزئی از یک منظومه منسجم را میسازد. غریبها اجزایی را کنار هم چیده‌اند و یک دستگاه منسجم را تعریف این توجه نداشته باشیم، وقتی به بانک میپردازیم، فقط به عنوان یک مسئله بریده از سایر مسائل به بانک توجه میکنیم. برای ما طراحی کرده‌اند، بازی میکنیم.

وی ادامه داد: در نگاه تجزیهای، ساختاری که اسلام برای اداره امور به ما داده را مورد التفات قرار نمیدهیم. نمیتوانیم نظام صورت مسئله، مسئله آنچه غریبها مطرح کرده‌اند را بر نظام و سنت عرضه میکنیم. اگر نتوانستیم حکمش را به دست بیاور کنیم. یعنی به معنای واقعی کلمه داریم وصله پینه میکنیم.

استاد خارج فقه حوزه علمیه قم به مجادلات مربوط به قانون کار در آغاز انقلاب پرداخت و توضیح داد نمیتوان به صرف مسئله به اختیارات فقیه مسئله را حل کرد.

استاد ارسطا همچنین از لزوم آشنایی فقیه با علوم تخصصی مختلف سخن گفت و این آشنایی را در استنباطات او مؤثر دانست.

وی در پاسخ به سؤالی گفت: جامعه دارای یک وجود تکوینی که مستقل از افراد تشکیلدهنده‌اش باشد نیست. سؤال این است که به کار می‌بریم و کنار هم قرار گرفتن مردم را جامعه میدانیم یا معنای دیگری مدنظر است.

این استاد حوزه علمیه قم افزود: به نظر ما معنای دیگری وجود دارد. جامعه به عنوان یک وجود مستقل عرفی دارای آثار تشخیص است. این وجود عرفی، منشأ آثاری است. این وجود به واسطه آثاری که دارد، به عنوان یک وجود مستقل شناخته وجود مستقل، آثاری است که دارد.

ارسطا ادامه داد: مثلاً گاهی اوقات در جامعه یک گرایش خاصی به سمت یک ارزش یا ضدارزش وجود دارد که موجب میشود تحت تأثیر آن باشند. ممکن است این امر مطلوب و پسندیده‌ای باشد یا نباشد. مثلاً الان جهیزیه و مهریه کلان داریم. جای نظر بگیرد. ولو اینکه وقتی با یکایک افراد صحبت میکنید، تعداد متنابهی میگویند این چیز خوبی نیست اما عملاً وقتی خود در جامعه هستند. جامعه آن شیوه را به عنوان یک عرف پذیرفته و قبول کرده ولو ممکن است کثیری از مردم جامعه آن را ن

دانشیار دانشگاه فارابی قم ادامه داد: بر این اساس میتوان آن وجود عرفی مستقل جامعه را تشخیص دهیم. در علم حقوق مادی و معنوی دارد. عنصر مادی تکرار یک عمل معین در مدت زمان نسبتاً طولانی است. میتواند این عمل خوب باشد یا نه اگر کسی برخلاف آن عرف عمل کند، مردم او را سرزنش میکنند. یا مثلاً میگویند مردم فلان جامعه، مردم اهل تلاشی هستند.

ثمره قائل شدن به وجود مستقل برای جامعه

استاد ارسطا گفت: فایده این بحث این است که تکلیف میتواند متوجه جامعه شود. سؤال میشود چگونه متوجه جامعه جواب این است که تکالیفی که متوجه جامعه میشود، به نحو وجوب کفایی است. یعنی آنقدر باید افرادی در جامعه این جامعه پیابند به این تکلیف است. عرفاً اینگونه گفته شود. مثلاً جامعه مطلوب دینی، جامعهای است که پایبند به صدقه باشد از مردم آن جامعه اهل صدقه باشد. به نحوی که یُطلق علیهم عرفاً أنهم عاملون بالصدقه.

وی ادامه داد: اینجا نیاز به تدبیر است. تدبیرش را حکومت اسلامی انجام میدهد. یعنی یکی از وظایف حکومت اسلامی آن ارزشهای دینی مثل صدقه دادن و مساوات و... در جامعه رواج پیدا کند. چگونه باید رواج دهد؟ باید بگوید مردم موظف حکومت اسلامی واجب است از طریق سیاستگذاری، این ارزشها را در جامعه استقرار ببخشد نه از طریق جرمانگاری. کاری حرکت کنند. مثل راهپیمایی اربعین.

لزوم تکمیل اصول فقه موجود

استاد ارسطا در پاسخ به این سؤال که آیا اصول فقه موجود برای نظامسازی کفایت میکند، گفت: تصور من این است که چاه پاسخگوی فقه اجتماعی است. این چارچوب، چارچوب منظم و منقحی است. منتهی عناصری باید اضافه شود. مثلاً عنصر مقادیر

وی ادامه داد: فقهای ما در مواردی عملاً به مقاصد الشریعه توجه کرده‌اند اما اسمش را نیاورده‌اند چون هنوز در فقه ما تنق

استاد ارسطا تصریح کرد: اولین کسی که مفهوم حکومت و ورود را آورد، شیخ انصاری بود. صاحب جواهر چند بار مفهوم > انصاری تعریف ضابطه‌مندی را برای این ارائه داد. شبیه این کار باید در یک سری مفاهیم مثل مقاصد الشریعه انجام بگیرد.

وی افزود: در موارد متعددی فقهای ما به آن تمسک کرده‌اند بدون اینکه نامی ببرد. مثلاً اما در بحث ربا در کتاب البیع. با الحلال را می‌بینند، امام می‌گوید استفاده از حیل شرعی جایز نیست. می‌گوید اگر خدا ربا را حرام کرده به دلیل این بوده که انتهای آیه تحریم ربا می‌گوید لا تَظْلِمُونَ و لا تُظْلَمُونَ. امام اضافه میکند که اگر کسی روی این ۱۰۰ هزار تومان یک خودکا می‌فروشم، ظلم منتفی شده؟ تمسک امام به مقصد است اما اسم مقاصد الشریعه را نمی‌آورد.

مقاصد الشریعه چراغ راه است

استاد ارسطا تأکید کرد: مقاصد الشریعه چراغ راه است؛ یعنی مَحَکَى است برای سنجش صحت استنباط. اگر استنباط شما با آر شما دچار خطای مبنایی شده.

دانشیار دانشگاه فارابی قم افزود: یکی دیگر از این مفاهیم، مفهوم مذاق شریعت است. مفهوم دیگر مفهوم حکمت است. ح

وی افزود: امام قائل به ولایت مطلقه بود اما این ولایت اینگونه اقتضا نمی‌کرد که ولیفقیه در تشخیص حکم یا در تشخیص مواهد. از شورای نگهبان سؤال شد که مصوبات مجلس را بر طبق چه فتوایی بررسی میکنید. در پاسخ نوشت جواب این سؤال که معیار، فتوای اجتهادی اکثریت فقهای شورای نگهبان است. یعنی فتوای امام نیست.

امام اطلاق ادله ولایت فقیه را بر اساس حکمت فهم میکرد

استاد خارج فقه حوزه علمیه قم افزود: در موضوع‌شناسی مرحوم آقای موسوی اردبیلی در یک جلسه خصوصی می‌گفتند پیشنهادی داشتم. خدمت امام گفتم. امام گفتند خوب نیست. گفتم کاملاً بررسی کردم و به نتیجه میرسد. امام گفتند به ز عمل کن. عمل کردم و نتیجه نداد. مدتی گذاشت پیشنهاد دومی به نظر رسید. همان جریان تکرار شد و باز حرف امام درس مجوزی وقتی خودش تشخیص میدهد این پیشنهاد از نظر موضوع‌شناسی به نتیجه نمیرسد، به آقای موسوی اردبیلی اجازه مید

ارسطا تصریح کرد: تحلیل این کار امام این است که امام اطلاق ادله ولایت فقیه را بر اساس حکمت فهم می‌کرد. اگر امام معده اطلاق حاکماً باید حکیمانه تفسیر شود. تفسیر حکیمه‌اش این است که امام نمی‌خواهد تشخیص رهبر را ملاک قرار دهد. بلکه عقلایی مصلحت دانسته شود جامعه را اداره کنی ولو خودت تشخیص دیگری داری. چرا؟ تا این شیوه توسط دیگران هم قابلاً اطلاق را حکیمانه معنا میکند.

لزوم دخالت فقیه در موضوع‌شناسی

این استاد حوزه و دانشگاه گفت: در موضوع‌شناسی الزاماً خود فقیه باید دخالت کند. به دلیل اینکه فهمی که فقیه از موضوع دارد. مخالف با اینکه فقیه تصور کند می‌تواند بگوید من یک اطلاعاتی از منابع دینی دارم. شما ای متخصص موضوع بیا این را بگویم! عملاً این کار را می‌کنیم و لذا دچار مشکلات فراوان شدیم. لازم‌هاش این نیست که فقیه حتماً تحصیلات آکادمیک را زمینه صاحب فهم تخصصی شود.

حوزه فقاقت باید تخصصی شود

بنا بر گزارش ارسالی دبیرخانه هم‌اندیشی فقه حکومتی، استاد ارسطا در خاتمه تأکید کرد: لازمه حرف من تخصصی کردن حوزه، کینم که در همه مسائل اعلم است. بنابراین گروهی از فقها باید به فقه اجتماعی پردازند.

وی همچنین ابراز داشت: برخی مبادی معرفتی مثل مبانی کلامی بر روی اجتهاد اثر می‌گذارد منتهی تا پیش از این، اینها به مورد التفات اجمالی است. اما استنباط فقهی به هیچ وجه نمیتواند فارغ از اینها باشد.